

# آثار فرار بیمه‌ای بر رفاه کارگران

کاهش دستمزد اعلامی توسط کارفرمایان، بار مالی بر صندوق های بیمه‌ای ایجاد می کند و موجب نابرابری در خدمات بیمه‌ای و مستمری های آتی کارگران می شود



عکس: احمد حسینی/جهان پارس

فرار بیمه‌ای، تنها یک تخلف اداری یا بازی با اعداد در لیست‌های حق بیمه نیست؛ پدیده‌ای است که هم‌زمان آینده نیروی کار و پایداری منابع سازمان تأمین اجتماعی را نشانه می گیرد. این گریز زمانی رخ می‌دهد که کارفرما، عمدی یا از سر سهیل انگاری، اطلاعات مربوط به تعداد کارگران، ماهیت اشتغال یا سطح واقعی دستمزد را ناقص و نادرست ثبت کند تا سهم پرداختی خود را کاهش دهد. نتیجه، در ظاهر کاهش هزینه‌های جاری یک‌بنگاه است، اما در واقع انتقال بار مالی به دوش کارگر و صندوقی است که باید در روزهای سخت، پشتوانه زندگی باشد.

در کوتاه‌مدت، کارگر از حقوق بدیهی خود در درمان و حمایت‌های بیمه‌ای محروم می‌شود و در بلندمدت، با مستمری‌ای روبه‌رو خواهد شد که تناسبی با سال‌های کار ندارد. هم‌زمان، کاهش وصول حق بیمه، توان ایفای تعهدات سازمان تأمین اجتماعی را به‌عنوان بیمه‌گراصلی شغلان حوزه کار و تولید فرسوده می‌کند و ناترازی مالی را تشدید می‌سازد.

فرار بیمه‌ای بیش از همه در حاشیه اقتصاد رسمی رشد می‌کند؛ جایی که روابط کار در کارگاه‌های کوچک و مشاغل غیررسمی، کمتر زیر نور نظارت قرار دارد. در چنین فضایی، برخی کارفرمایان با وعده مزایای مبهمل یا فشار پنهان بر نیروی کار، از بیمه‌پردازی می‌گریزند. پیامد این تخلف، فقط یک زیان فردی نیست؛ فرار بیمه‌ای یکی از دلایل فرسایش درآمدهای صندوق‌های بازنشستگی است و مستقیماً ثبات بازار کار، تولید و رفاه اجتماعی را تهدید می‌کند. به همین دلیل، کارشناسان توسعه اشتغال رسمی و تعدیل بخش غیررسمی را راهی کلیدی برای مهار این چرخه می‌دانند.

## قانون، پشتوانه بیمه

براساس قوانین سازمان تأمین اجتماعی، هرگونه فعالیت کارگران بدون بیمه‌پردازی و برقراری پوشش بیمه‌ای، غیرقانونی است و نادیده گرفتن این الزام، زمینه‌ساز تضییع حقوق نیروی کار و تهدید منابع مالی سازمان می‌شود. نیروی کار باید علاوه بر آگاهی از مزایای بیمه، رصد ماهانه پرداخت حق بیمه توسط کارفرما را به دقت دنبال کند تا بتواند از خدمات درمانی، بازنشستگی و دیگر تعهدات تأمین اجتماعی برخوردار شود. رعایت این اصل ساده اما کلیدی، اثر مستقیمی بر کاهش

دارند. بسیاری از بازرسی‌ها از چارچوب استاندارد فاصله دارند و برخی کارفرمایان حداقل دستمزد یا مبالغی کمتر از واقع را در لیست بیمه درج می‌کنند. این رفتار نه تنها حقوق کارگران را کاهش می‌دهد بلکه ثبات منابع سازمان تأمین اجتماعی را به خطر می‌اندازد و نیازمند نظارت هوشمند و فرهنگ‌سازی گسترده است.

## ابعاد پنهان فرار بیمه‌ای

در فضای پیچیده بازار کار و با وجود قوانین و مقررات بیمه‌های اجتماعی، انواع مختلفی از فرار بیمه‌ای شکل گرفته است که هر یک با مکانیزم و پیامدهای خاص خود، ثبات منابع سازمان تأمین اجتماعی و حقوق کارگران را تهدید می‌کند. علی حیدری، مشاور عالی مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، چهار نوع فرار بیمه‌ای را شناخته و مورد استفاده می‌داند: فرار قشری یا صنفی، کارگاهی، تعدادی و رزبالی. در وضعیت فرار قشری یا صنفی، بخشی از اقشار شاغل مشمول پوشش بیمه‌ای قرار نمی‌گرفتند و از مزایای قانونی محروم می‌شدند. فرار کارگاهی زمانی رخ می‌دهد که برخی کارگاه‌ها یا مشمول بیمه شناخته نمی‌شوند یا در فرآیندهای سازمان تأمین اجتماعی کشف و شناسایی نمی‌شوند. در نوع فرار تعدادی، کارفرما تعداد واقعی کارگران شاغل در کارگاه را در لیست بیمه اعلام نمی‌کند و بدین ترتیب سهم حق بیمه کاهش می‌یابد. در مدل رزبالی، کارفرما تمام کارگران را در لیست بیمه ثبت می‌کند، اما دستمزد واقعی و مزایای مشمول کسر حق بیمه آنان را به سازمان اعلام نمی‌نماید. نتیجه چنین تخلفاتی، محروم ماندن بیمه‌شدگان از خدمات مطلوب بیمه‌ای و ایجاد چالش‌های جدی برای سازمان تأمین اجتماعی در تأمین منابع حق بیمه مورد نیاز برای حدود ۴۹ میلیون نفر است. این وضعیت، نیازمند نظارت دقیق‌تر، فرهنگ‌سازی و بهره‌گیری از سازوکارهای هوشمند برای رصد و اصلاح پرداخت حق بیمه‌هاست تا عدالت بیمه‌ای حفظ شود و پایداری منابع تأمین اجتماعی تهدید نشود.

## ناپایداری منابع بیمه‌ای

اقدام برخی کارفرمایان در کاهش یا حذف بیمه‌پردازی، تأثیرات عمیق و بلندمدتی بر چرخه وصول حق بیمه و پایداری منابع سازمان تأمین اجتماعی بر جای می‌گذارد.

## دستمزد واقعی و چالش محاسبه حق بیمه

تأمین اجتماعی با محدودیت‌های قانونی و عملی برای تصحیح و پیگیری این تخلفات مواجه است. این اقدام موجب کاهش منابع لازم برای پوشش تعهدات بیمه‌ای و تأمین مستمری بازنشستگان می‌شود و فشار مالی بر سازمان را افزایش می‌دهد. با احتساب سهم ۷ درصدی کارگر در حق بیمه، مجموعاً حدود ۳۰ درصد از درآمد مشمول حق بیمه فراتر از حداقل دستمزد توسط این گروه از کارفرمایان کاهش می‌یابد. این روند نه تنها به نابرابری در پرداخت مستمری‌ها و خدمات بیمه‌ای می‌انجامد، بلکه چرخه‌ای از دستمزد غیرواقعی و کاهش رفاه بیمه‌شدگان ایجاد می‌کند. اصلاح این وضعیت نیازمند نظارت دقیق‌تر، فرهنگ‌سازی و ابزارهای هوشمند رصد تراکنش‌های بیمه‌ای است تا دستمزد واقعی کارگران در لیست بیمه‌ای ثبت شود و عدالت اجتماعی و بیمه‌ای تحقق یابد.

بخشی از این فرار بیمه‌ای به شکل عدم ارائه لیست حق بیمه صورت می‌گیرد؛ حالتی که در آن نیروی کار به طور کامل از پوشش بیمه‌ای محروم می‌شود و بیشتر در مشاغل غیررسمی مشاهده می‌گردد. با افزایش حداقل دستمزد و سطوح دیگر مزدی، سهم کارفرما در پرداخت حق بیمه بیشتر می‌شود، اما برخی کارفرمایان برای کنترل هزینه‌ها، بخش قابل توجهی از درآمد مشمول حق بیمه را در لیست بیمه ثبت نمی‌کنند. این رفتار، با توجه به آنکه درآمد سازمان عمدتاً از وصول حق بیمه حدود ۱۷ میلیون بیمه‌پرداز اصلی تأمین می‌شود، در بلندمدت کاهش منابع مالی و ایجاد ناترازی جدی را به همراه دارد. مشاور عالی مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، پیشگیری از فرار بیمه‌ای و وصول به موقع حق بیمه‌ها را کلید پایداری تأمین اجتماعی دانست و افزود که ۳۲ طرح درآمدی و کنترل مصارف، بر وصول واقعی منابع مبتنی بر اصول و قواعد بیمه‌ای تأکید دارد. حیدری ادامه داد که مصارف تأمین اجتماعی باید صرف ارائه خدمات به ذینفعان واقعی واصلی شود و مزایا و تعهدات بیمه‌ای تنها به کسانی تعلق گیرد که طبق قانون و مقررات شرایط احراز آن را دارند.

این کارشناس تصریح کرد که حتی با اجرای کامل این طرح‌ها، موفقیت در ایجاد پایداری مالی سازمان و رفع ناترازی، وابسته به پرداخت به موقع حق بیمه‌های جاری و معوقه دولت و اصلاح قوانین مرتبط مانند بازنشستگی زودهنگام است. چنین سازوکارهایی، تنها با رعایت دقیق اصول و قواعد بیمه‌ای می‌توانند ثبات منابع تأمین اجتماعی را تضمین کنند و از بروز بحران مالی جلوگیری نمایند.

## بازنشستگان و دستمزد واقعی

میزان پرداخت حق بیمه و ثبت دستمزد واقعی کارگران، نقش تعیین‌کننده‌ای در محاسبه حقوق مستمری بازنشستگان دارد. بر اساس قوانین و مقررات تأمین اجتماعی، میانگین دستمزد مشمول حق بیمه، پایه محاسبه مستمری است و هر گونه کاهش یا ثبت نادرست دستمزد، مستقیماً حقوق بازنشستگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تعهد کارفرمایان به درج دستمزد واقعی و نظارت کارگران بر پرداخت حق بیمه، نه تنها به افزایش حقوق بازنشستگان منجر می‌شود بلکه آمار بازنشستگان حداقل بگیر را کاهش می‌دهد. سهم بیش از ۶۰ درصد بازنشستگان حداقل بگیر در میان کل مستمری بگیران، عمدتاً ناشی از عدم اعلام دستمزد واقعی و فرار بیمه‌ای برخی کارفرمایان است. کاهش میانگین دستمزد مشمول کسر حق بیمه در دوره‌های مختلف نیز نشانگر ثبت نادرست دستمزد و اثر مستقیم آن بر مستمری‌هاست. این چرخه توضیح‌دهنده علت بالای بازنشستگان حداقل بگیر در کشور است و ضرورت پایش دقیق پرداخت‌ها و اصلاح رویه‌های بیمه‌پردازی را برجسته می‌سازد.

## راهکارهای پایداری منابع

کارشناسان حوزه بیمه‌های اجتماعی مجموعه‌ای از راهکارهای راهبردی را برای کاهش آثار فرار بیمه‌ای و مهار این پدیده تأکید می‌کنند. نخستین محور این اقدامات، تحول در نظام نظارتی و بازرسی است. استفاده از بازرسی هوشمند، ارتقای توان تخصصی و فنی بازرسان و اجرای بازرسی‌های ناگهانی و عمقی، امکان شناسایی تخلفات بیمه‌ای و کاهش فرار از پرداخت حق بیمه را فراهم می‌کند. در کنار آن، هوشمندسازی و یکپارچه‌سازی سامانه‌ها، با اتصال به سامانه‌های سازمان تأمین اجتماعی، رصد آنلاین تراکنش‌ها و اجباری‌سازی پرداخت حقوق، از سازوکارهای مؤثر در مواجهه با این پدیده است. همچنین تشدید جرائم و ارائه مشوق‌ها، مانند افزایش جرائم نقدی و درنظر گرفتن تسهیلات برای کارفرمایان متعهد، ابزار دیگری برای کاهش آمار فرار بیمه‌ای محسوب می‌شود. فرهنگ‌سازی بیمه‌شدگان نیز اهمیت بالایی دارد؛ آموزش مستمر کارگران درباره حقوق بیمه‌ای و پیامدهای ثبت مزد غیرواقعی، امکان ثبت شکایت مجرمانه و شفاف‌سازی اطلاعات از طریق دسترسی آنلاین به سوابق حقوق ثبت‌شده، نقش مهمی در پیشگیری از تخلفات ایفا می‌کند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت، فرار بیمه‌ای تهدیدی چندوجهی برای بازار کار، نیروی کار و سازمان تأمین اجتماعی است. استمرار این پدیده امنیت بازنشستگی و خدمات درمانی میلیون‌ها کارگر را به مخاطره می‌اندازد و ثبات منابع تأمین اجتماعی را تهدید می‌کند. کنترل آن نیازمند راهکارهای ترکیبی، بازرگری در فرآیندهای نظارتی، بهره‌گیری از فناوری اطلاعات، اصلاح قوانین کار و تأمین اجتماعی و افزایش آگاهی بیمه‌ای است. بدون تعامل دستگاه‌های متولی کار و قانونگذاری با سازمان تأمین اجتماعی، چرخه «مزد غیرواقعی و مستمری حداقلی» ادامه خواهد یافت.

## کارگری

یادداشت  
O P I N I O N

علی جهانی

کارشناس بیمه‌های اجتماعی

## چالش ناترازی صندوق‌های بازنشستگی

در سال‌های اخیر صندوق‌های بازنشستگی و سازمان‌های بیمه‌گر با چالشی جدی در زمینه ناترازی منابع و مصارف مواجه شده‌اند؛ موضوعی که بخشی از آن ناشی از رشد بی‌وقفه هزینه‌های مستمری و تعهدات بلندمدت و بخشی دیگر نتیجه کاهش ضریب پشتیبانی و کاهش نسبت بیمه‌پردازان به مستمری بگیران است. بدهی‌های انباشته دولت، افزایش تعداد بازنشستگان و عدم تناسب مدت بیمه‌پردازی با دوره دریافت مستمری، فشار مضاعفی بر صندوق‌ها وارد کرده و احتمال کمبود منابع برای اجرای تعهدات را افزایش داده است. در این شرایط، ادامه روند فعلی بدون اصلاح ساختاری، می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به صندوق‌ها و اختلال در عملکرد آنها منجر شود و زمینه بی‌ثباتی مالی و نا کارآمدی در ارائه خدمات به بیمه‌شدگان و مستمری بگیران را فراهم آورد.

ضریب پشتیبانی در سازمان تأمین اجتماعی، که نزدیک به ۴۰ برای پوشش حدود ۴۹ میلیون نفر است، نشان می‌دهد نسبت بیمه‌پردازان به مستمری بگیران در سطحی بحرانی قرار دارد. کاهش پرداخت حق بیمه حتی در کارگاه‌های با بیمه‌پردازی اجباری، فشار بر منابع صندوق‌ها را تشدید کرده و کمیت و کیفیت خدمات بیمه‌ای، درمانی و بازنشستگی را تحت تأثیر قرار داده است. در چنین وضعیتی، بیمه‌پردازان، کارفرمایان و افراد خویش فرما نیز نسبت به آینده صندوق‌ها نگران خواهند بود و این نگرانی خود بازتابی بر میزان پرداخت حق بیمه دارد و باعث کند شدن گردش مالی صندوق‌ها می‌شود.

به منظور مقابله با آثار منفی ناترازی، دولت و مدیران صندوق‌ها باید اصلاحات گسترده‌ای در ساختار بیمه‌ای و قوانین بازنشستگی اعمال کنند. افزایش سن بازنشستگی، بازنگری در مدت بیمه‌پردازی و تقویت سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌ها در مسیر سودآوری بیشتر، می‌تواند جریان درآمد پایدار ایجاد کرده و ظرفیت ارائه خدمات بیمه‌ای و درمانی را حفظ کند.

هنگاه‌داری سودآور و بازده اقتصادی قابل اعتماد، ارزش افزوده لازم را برای صندوق‌ها فراهم می‌کند و در بلندمدت به توازن منابع و مصارف کمک می‌کند و از فشارهای مالی غیرضروری می‌کاهد.

شفافیت مدیریتی، استقلال سازمان‌های بیمه‌ای و جلوگیری از تسمیم‌سازی‌های غیر کارشناسی نیز از دیگر عوامل مهم در بهبود عملکرد صندوق‌ها است. وصول مطالبات انباشته از دولت، به‌ویژه حق بیمه سهم دولت در تأمین اجتماعی، گامی حیاتی برای ایجاد توازن در منابع و مصارف به شمار می‌آید. با توجه به سهم ۵۶ درصدی تأمین اجتماعی از پوشش بیمه‌ای جامعه و حجم بالای تعهدات مالی این سازمان که بیش از ۱۲۵ هزار میلیارد تومان در حوزه مستمری و درمان برآورد می‌شود، اقدامات اصلاحی و اقتصادی دقیق، تنها راه تضمین پایداری مالی و عملیاتی صندوق‌ها است و می‌تواند از بروز بحران‌های بزرگ در آینده جلوگیری کند.